

دعای ابو حمزه ثمالی

إِلَهِي لَا تُؤَدِّبْنِي بِعُقُوبَتِكَ وَلَا تَمَكِّرْ بِي فِي

خدايا مرا به مجازات و عقوبتت ادب مکن و مکر مکن به من

حِيلَتِكَ مِنْ أَيْنَ لِي الْخَيْرُ يَا رَبِّ وَلَا يُوْجَدُ إِلَّا مِنْ عِنْدِكَ وَمِنْ أَيْنَ

با حيله ات از کجا خيري بدست آورم ای پروردگار من با اینکه خيري يافت نشود جز در پيش تو و از کجا

لِي النِّجَاةُ وَلَا تُسْتَطَاعُ إِلَّا بِكَ لَا أَلَدِي أَحْسَنَ اسْتَعْنِي عَنْ عَوْنِكَ

نجاتي براي من باشد با اینکه نجاتي نتوان يافت جز به کمک تو نه آن کس که نيکی کند بی نیاز است از کمک تو

وَرَحْمَتِكَ وَلَا أَلَدِي أَسَاءَ وَاجْتَرَأَ عَلَيْكَ وَلَمْ يُرْضِكَ خَرَجَ عَنْ

و رحمتت و نه آنکس که بد کند و دليري بر تو کند و خوشنوديت نجويد از تحت قدرت تو بيرون رود

قُدْرَتِكَ يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ بگويد تا آنکه نفس قطع شود [بک] عَرَفْتُكَ

ای پروردگار من ... * * * * * هميله خودت من ترا شناختم

وَأَنْتَ دَلَلْتَنِي عَلَيْكَ وَدَعَوْتَنِي إِلَيْكَ وَلَوْلَا أَنْتَ لَمْ أَدْرِ مَا أَنْتَ

و تو مرا بر خود راهنمايي کردی و بسوی خود خواندی و اگر تو نبودی من ندانستم که تو کسيتی

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَدْعُوهُ فَيُعِينِي وَإِنْ كُنْتُ بَطِيئًا حِينَ يَدْعُونِي

ستايش خدايي را که می خوانمش و او پاسخم دهد و اگر چه وقتی می خواندم بکندی به درگاهش روم

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَسْأَلُهُ فَيُعْطِينِي وَإِنْ كُنْتُ بَخِيلًا حِينَ يَسْتَقْرِضُنِي

و ستايش خدايي را که می خواهم از او و به من عطا می کرد و اگر چه در هنگامی که او از من چيزی قرض خواهد من بخل کنم

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أُنَادِيهِ كُلَّمَا شِئْتُ لِحَاجَّتِي وَأَخْلُو بِهِ حَيْثُ شِئْتُ

و ستايش خدايي را که هر گاه برای حاجتي بخوهم او را ندا کنم و هر زمان بخوهم برای

لِسِرِّي بِغَيْرِ شَفِيعٍ فَيَقْضِي لِي حَاجَتِي أَلْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا أَدْعُو غَيْرَهُ

راز و نیاز بدون واسطه با او خلوت کنم و او حاجتم را برآورد ستایش خدایی را که جز او

وَلَوْ دَعَوْتُ غَيْرَهُ لَمْ يَسْتَجِبْ لِي دُعَائِي وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا أَرْجُو

کسی را نخوانم و اگر غیر او دیگری را می خواندم دعایم را مستجاب نمی کرد و ستایش خدایی را که بجز او

غَيْرَهُ وَلَوْ رَجَوْتُ غَيْرَهُ لَأَخْلَفَ رَجَائِي وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَكَلَنِي

امید ندارم و اگر به غیر او امیدی داشتم ناامیدم می کرد و ستایش خدایی را که مرا به حضرت خود

إِلَيْهِ فَأَكْرَمَنِي وَلَمْ يَكِلْنِي إِلَى النَّاسِ فَيُهَيِّئُونِي وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

واگذار کرده و از این رو به من اکرام کرده و به مردم واگذارم نکرده که مرا خوارکنند و ستایش خدایی را که

تَجَبَّبَ إِلَيَّ وَهُوَ غَنِيٌّ عَنِّي وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يَحْلُمُ عَنِّي حَتَّى كَانَنِي

با من دوستی کند در صورتی که از من بی نیاز است و ستایش خدایی را که نسبت به من بردباری کند تا به جایی که

لَا ذَنْبَ لِي قَرَبِي أَحْمَدُ شَيْءٍ عِنْدِي وَأَحَقُّ بِحَمْدِي أَللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُ

گویا گناهی ندارم پس پروردگار من ستوده ترین چیزها است نزد من و به ستایش من سزاوارتر است خدایا من همه راههای

سُبُلَ الْمَطَالِبِ إِلَيْكَ مُشْرَعَةً وَمَنَاهِلَ الرَّجَاءِ إِلَيْكَ مُتْرَعَةً

مقاصد را به سوی تو باز می بینم و چشمه های امید را بسویت سرشار می یابم

وَالْإِسْتِعَانَةَ بِفَضْلِكَ لِمَنْ أَمَلَكَ مُبَاحَةً وَأَبْوَابَ الدُّعَاءِ إِلَيْكَ

و یاری جستن به فضل تو برای آرزومندانت مباح و بی مانع است و درهای دعای بسوی تو برای

لِلصَّارِحِينَ مَفْتُوحَةً وَأَعْلَمُ أَنَّكَ لِلرَّاجِي بِمَوْضِعِ إِجَابَةٍ وَلِلْمُهَوِّفِينَ

فریادکنندگان باز است و به خوبی می دانم که تو برای اجابت شخص امیدوار آماده ای و برای فریادرسی اندوهگینا

بِمَرْصَدِ إِغَاثَتِهِ وَأَنَّ فِي اللَّهْفِ إِلَى جُودِكَ وَالرِّضَا بِقَضَائِكَ عَوْضًا

مهیای فریادرسی هستی و براستی می دانم که در پناهندگی به جود و کرمت و خوشنودی به قضا و قدرت عوضی است

مِنْ مَنَعِ الْبَاخِلِينَ وَمَنْدُوْحَهٗ عَمَّا فِي أَيْدِي الْمُسْتَأْثِرِينَ وَأَنْ

از جلوگیری کردن بخیلان و گشایشی است از احتیاج بدانچه در دست دنیاطلبان است و براستی

الرَّاحِلَ إِلَيْكَ قَرِيبُ الْمَسَافَةِ وَأَنَّكَ لَا تَخْتَجِبُ عَنْ خَلْقِكَ إِلَّا أَنْ

کوچ کننده به درگهت راهش نزدیک است و مسلما تو از خلق خود در حجاب نشوی مگر آنکه

تَحْتَجِبُهُمُ الْأَعْمَالُ دُونَكَ وَقَدْ قَصَدْتُ إِلَيْكَ بِطَلَبِي وَتَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ

کردارشان میان آنها و تو حاجب شود و من با مطلبی که دارم قصد تو را کرده

بِحَاجَتِي وَجَعَلْتُ بِكَ اسْتِغَاثًا تِي وَبِدُعَائِكَ تَوَسَّلِي مِنْ غَيْرِ

و با حاجت خود رو به درگاه تو آوردم و استغاثه ام را به درگاه تو قرار دادم و دعای تو را دست آویز خود کردم بی آنکه من

اسْتِحْقَاقٍ لِاسْتِمَاعِكَ مِنِّي وَلَا اسْتِجَابٍ لِعَفْوِكَ عَنِّي بَلْ لِنِقْتِي

استحقاق داشته باشم که نواز من بشنوی و نه مستوجب آنم که از من بگذری بلکه بدان اعتمادی که من

بِكْرَمِكَ وَسُكُونِي إِلَى صِدْقِ وَعْدِكَ وَلِجَائِي إِلَى الْإِيمَانِ

به کرم تو دارم و آن اطمینانی که به درستی وعده ات دارم و به خاطر پناهندگیم به ایمان

بِتَوْحِيدِكَ وَيَقِينِي بِمَعْرِفَتِكَ مِنِّي أَنْ لَا رَبَّ إِلَّا [غَيْرُكَ وَلَا إِلَهَ إِلَّا

و اعتقادی که بر یگانگی تو دارم و یقینی که به معرفت و شناسایی تو دارم که می دانم پروردگاری غیر

أَنْتَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ اللَّهُمَّ أَنْتَ الْقَائِلُ وَقَوْلُكَ حَقٌّ وَوَعْدُكَ

تو نیست و معبودی جز تو وجود ندارد یگانه ای که شریکی برایت نیست خدا یا تو فرمودی و گفتارت حق و وعده ات

صِدْقٌ وَاسْتَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا وَلَيْسَ مِنْ

راست است (که فرمودی) ((و درخواست کنید خدا را از فضلش که براستی او به شما مهربان است)) و رسم تو چنان نیست

[صِفَاتِكَ يَا سَيِّدِي] صِفَاتِكَ يَا سَيِّدِي أَنْ تَأْمُرَ بِالسُّؤَالِ وَتَمْنَعَ الْعُطِيَّةَ وَأَنْتَ الْمَنَّانُ

ای آقای من که دستور سؤال بدهی ولی از عطا و بخشش دریغ نموده و خودداری کنی و تویی بخشاینده

[بِالْعَطِيَّاتِ عَلَى] بِالْعَطِيَّاتِ عَلَى أَهْلِ مَمْلَكَتِكَ وَالْعَائِدُ عَلَيْهِمْ بِتَحَنُّنٍ رَأْفَتِكَ إِلَهِي

به عطایا بر اهل کشور خود و متوجه بدانها به مهربانی و راءفتت خدایا

رَبِّئِنِّي فِي نِعْمِكَ وَإِحْسَانِكَ صَغِيرًا وَتَوَهَّتَ بِاسْمِي كَبِيرًا فَيَا مَنْ

مرا در خردسالی در نعمتها و احسان خویش پروریدی و در بزرگی نامم را بر سر زبانها بلند کردی پس ای که

رَبَّانِي فِي الدُّنْيَا بِإِحْسَانِهِ وَتَفَضُّلِهِ وَنِعْمِهِ وَأَشَارَ لِي فِي الْآخِرَةِ

در دنیا مرا به احسان و فضل و نعمتهای خود پروریدی و برای آخرتم

إِلَى عَفْوِهِ وَكَرَمِهِ مَعْرِفَتِي يَا مَوْلَايَ دَلِيلِي عَلَيْكَ وَحَبِي لَكَ شَفِيعِي

به عفو و کرم اشارت فرمودی ای مولای من شناساییم به تو راهنمای من بسوی تو است و محبتی که به تو دارم شفیع من است

إِلَيْكَ وَأَنَا وَاثِقٌ مِنْ دَلِيلِي بِدَلَالَتِكَ وَسَاكِنٌ مِنْ شَفِيعِي إِلَى

به درگاهت و من از راهنمایی کردن این دلیم بسوی تو مطمئنم و از پذیرفتن شفیعم از جانب تو

شَفَاعَتِكَ أَدْعُوكَ يَا سَيِّدِي بِلِسَانٍ قَدْ أَخْرَسَهُ ذَنْبُهُ رَبُّ أَنَا جِيكَ

آسوده خاطر می خوانمت ای آقای من به زبانی که گناه لالش کرده پروردگارا با تو راز گویم

بِقَلْبٍ قَدْ أَوْتِيَهُ جُرْمُهُ أَدْعُوكَ يَا رَبَّ رَاهِبًا رَاغِبًا رَاغِبًا حَائِفًا إِذَا

بوسیله دلی که جنایت به هلاکتش کشانده می خوانمت ای پروردگار من هراسان و خواهان و امیدوار و ترسان

رَأَيْتُ مَوْلَايَ ذُنُوبِي فَزِعْتُ وَإِذَا رَأَيْتُ كَرَمَكَ طَمِعْتُ فَإِنْ عَفَوْتَ

ای مولای من هنگامی که گناهانم را مشاهده می کنم هراسان شوم و چون بزرگواری تو را بینم به طمع افتم خدایا اگر بگذری

فَحَيْرٌ رَاحِمٍ وَإِنْ عَذَّبْتَ فَغَيْرُ ظَالِمٍ حُجَّتِي يَا اللَّهُ فِي جُرْأَتِي عَلَى

بهترین مهرورزی و اگر عذاب کنی ستم نکرده ای ، دلیل و بهانه من ای خدا در اینکه دلیری کنم

مَسْئَلَتِكَ مَعَ آيَاتِي مَا تَكَرَّرَ جُودُكَ وَكَرَمُكَ وَعُدَّتِي فِي شِدَّتِي مَعَ

در سؤال کردن از تو با اینکه رفتارم خوشایند تو نیست همان جود و کرم تو است و ذخیره من در سختیم با

[قَلْبِهِ حَيَاتِي رَأْفَتِكَ....] قَلْبُهُ حَيَاتِي رَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ وَقَدْ رَجَوْتُ أَنْ لَا تَخِيبَ بَيْنَ دَيْنِ

بی شرمی من همان راءفت و مهربانی تو است و براستی امیدوارم که نومید مکنی میان این و آن آرزویم را

وَدَيْنِ مُنِيَّتِي فَحَقَّقْ رَجَائِي وَاسْمَعْ دُعَائِي يَا خَيْرَ مَنْ دَعَاهُ دَاعٍ

پس امیدم را صورت عمل ده و دعایم را شنیده گیر ای بهترین کسی که خوانندگان بخوانندش

وَأَفْضَلَ مَنْ رَجَاهُ رَاجٍ عَظِيمٌ يَا سَيِّدِي أَمَلِي وَسَاءَ عَمَلِي فَأَعْظِنِي

و برتر کسی که امیدواران بدو امید دارند ای آقايم آرزویم بزرگ و عملم زشت است پس تو

مِنْ عَفْوِكَ بِمِقْدَارِ أَمَلِي وَلَا تُؤْخِذْنِي بِأَسْوَأِ عَمَلِي فَإِنَّ كَرَمَكَ

از عفو خویش به اندازه آرزویم به من بده و مرا به بدترین عملم مؤاخذه مکن زیرا کرم تو برتر است

يَجِلُّ عَنْ مُجَازَاهِ الْمُذْنِبِينَ وَحِلْمِكَ يَكْبُرُ عَنْ مُكَافَاهِ الْمُقْصِرِينَ

از مجازات گنهکاران و بردباریت بزرگتر است از مکافات تقصیرکاران

وَأَنَا يَا سَيِّدِي عَائِدٌ بِفَضْلِكَ هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ مُتَنَجِّزٌ مَا وَعَدْتَ مِنْ

و من ای آقايم به فضلت پناهنده گشته و از تو بسوی خودت گریخته ام و خواستارم آنچه را وعده کردی از

الصَّفْحِ عَمَّنْ أَحْسَنَ بِكَ ظَنًّا وَمَا أَنَا يَا رَبُّ وَمَا خَطَرِي هَبْنِي

چشم پوشی نسبت به کسی که خوش گمان به تو است ، من چه ام پروردگارا؟ و چه اهمیتی دارم ؟ مرا

بِفَضْلِكَ وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ بِعَفْوِكَ أَيُّ رَبِّ جَلَّلَنِي بِسِتْرِكَ وَأَغْفُ عَنْ

به فضل خویش ببخش با عفو خود بر من نیکی کث و منت گذار، پروردگارا مرا به پوشش خود پوشان

تَوْبِيحِي بِكَرَمٍ وَجْهِكَ فَلَوْ اطَّلَعَ الْيَوْمَ عَلَى ذَنْبِي غَيْرُكَ مَا فَعَلْتُهُ

و به کرم ذات از سرزنش کردن من درگذر پس اگر دیگری جز تو بر گناهم آگاه می شد آن گناه را انجام نمی دادم

وَلَوْ خِفْتُ تَعْجِيلَ الْعُقُوبَةِ لَأَجْتَنِبُنَّهُ لِأَنَّكَ أَهْوَنُ النَّاطِرِينَ وَأَخْفُ

و اگر از زود به کیفر رسیدن می ترسیدم باز هم خودداری می کردم و اینکه با این وصف گناه کردم نه برای آن بود که تو سبکترین بینندگان

الْمُطَّلِعِينَ [عَلَى] بَلْ لِأَنَّكَ يَا رَبَّ حَيُّ السَّاتِرِينَ وَأَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ

و یا بی مقدارترین مطلعین هستی بلکه برای آن بود که تو ای پروردگار من بهترین پوشندگان و حکم کننده ترین حاکمان

وَأَكْرَمُ الْأَكْرَمِينَ سَتَارُ الْعُيُوبِ غَفَارُ الذُّنُوبِ عَلَامُ الْغُيُوبِ تَسْتُرُ

و گرامی ترین گرامیان و پوشاننده عیوب و آمرزنده گناهانی گناه را به کرمت می پوشانی

الذَّنْبَ بِكَرَمِكَ وَتُوَخَّرُ الْعُقُوبَةَ بِحِلْمِكَ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى حِلْمِكَ بَعْدَ

و کیفر را به واسطه بردباریت به تاءخیر اندازی پس تو را ستایش سزا است بر بردباریت پس

عِلْمِكَ وَعَلَى عَفْوِكَ بَعْدَ قُدْرَتِكَ وَيَحْمِلُنِي وَيُجَرِّئُنِي عَلَى

از دانستن و بر گذشتت پس از توانایی داشتن و همین گذشتت تو از من مرا وادار کرده و دلیر ساخته بر

مَعْصِيَتِكَ حِلْمِكَ عَنِّي وَيَدْعُونِي إِلَى قَلْبِهِ الْحَيَاءِ سِتْرِكَ عَلَى

نافرمانیت و همان پرده بهیثیت بر من مرا به بی شرمی واداشته

وَيُسِرُّ عَنِّي إِلَى التَّوْبِ عَلَى مَحَارِمِكَ مَعْرِفَتِي بِسَعَةِ رَحْمَتِكَ

و همان معرفتی که من به فراخی رحمت دارم و بزرگی عفو مرا بدست زدن به کارهای حرام شتابان می کند

وَعَظِيمِ عَفْوِكَ يَا حَلِيمُ يَا كَرِيمُ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ يَا غَافِرَ الذَّنْبِ يَا

ای بردبار ای بزرگوار ای زنده و ای پاینده ای آمرزنده گناه ای

قَابِلَ التَّوْبِ يَا عَظِيمَ الْمَنِّ يَا قَدِيمَ الْإِحْسَانِ أَيْنَ سِتْرُكَ الْجَمِيلُ

بزیرنده گناه ای بزرگ نعمت ای دیرینه احسان کجاست پرده پوشی زیبایت؟

أَيْنَ عَفْوِكَ الْجَلِيلِ أَيْنَ فَرْجِكَ الْقَرِيبِ أَيْنَ غِيَاثِكَ السَّرِيعِ أَيْنَ

کجاست گذشت بزرگت؟ کجاست گشایش نزدیکت؟ کجاست فریادرسی فوریت؟ کجاست

رَحْمَتِكَ الْوَاسِعَةِ أَيْنَ عَطَايَاكَ الْفَاضِلَةَ أَيْنَ مَوَاهِبِكَ الْهَيْبَةَ أَيْنَ

رحمت وسیعت؟ کجاست عطاهای برجسته ات؟ کجاست بخششهای دلچسبیت؟ کجاست

[صِنَانِعُكَ السَّيِّئَةِ....] صِنَانِعُكَ السَّيِّئَةِ أَيْنَ فَضْلِكَ الْعَظِيمِ أَيْنَ مِنْكَ الْجَسِيمِ أَيْنَ

نیکی های شایانت؟ کجاست فضل عظیمت؟ کجاست نعمت بزرگت؟ کجاست

إِحْسَانُكَ الْقَدِيمِ أَيْنَ كَرَمُكَ يَا كَرِيمُ بِهِ وَبِمُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ فَاسْتَقِذْنِي وَبِرَحْمَتِكَ

احسان دیرینه ات؟ کجاست کرمت؟ ای کریم بدان (چه گفتم) و به محمد و آل محمد مرا نجات ده و به رحمت

فَخَلَّصْنِي يَا مُحْسِنُ يَا مُجْمِلُ يَا مُنْعِمُ يَا مُفْضِلُ لَسْتُ أَتَّكِلُ فَوْقَ

خلاصم کن ای نیکو ای نیکو بخش ای نعمت ده ای زیاده بخش چنان نیست که من برای

النَّجَاهِ مِنْ عِقَابِكَ عَلَى أَعْمَالِنَا بَلْ بِفَضْلِكَ عَلَيْنَا لِأَنَّكَ أَهْلُ التَّقْوَى

نجات از عقاب تو به کارهامان تکیه کنم بلکه به فضلی که بر ما داری تکیه زنی زیرا تو اهل تقوی

وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ تُبَدِّئُ بِالْإِحْسَانِ نِعْمًا وَتَعْفُو عَنِ الذَّنْبِ كَرَمًا فَمَ

و شایسته آمرزشی آغاز کنی به احسان از روی نعمت بخشی و گذشت کنی از گناه از روی کرم و بزرگواری و با این وضع

[نَدْرِي مَا نَشْكُرُ....] نَدْرِي مَا نَشْكُرُ أَجْمِلَ مَا نَشْكُرُ أَمْ قَبِيحَ مَا تَسْتُرُ أَمْ عَظِيمَ مَا أَبْلَيْتَ

ما ندانیم کدامیک را سپاس گوئیم: آن نیکیهایی که پراکنده کنی یا زشتیهایی که پوشانی یا بزرگ آزمایشت

وَأَوْلَيْتَ أَمْ كَثِيرًا مِنْهُ نَجَّيْتَ وَعَافَيْتَ يَا حَبِيبَ مَنْ تَحَبَّبَ إِلَيْكَ

و شایستگی نعمت یا آن همه چیزهایی که ما را از آن نجات داده و عافیت دادی ای دوست کسی که با تو دوستی کند

وَيَا قُرَّةَ عَيْنٍ مَنْ لَازِبِكَ وَأَنْقَطَعَ إِلَيْكَ أَنْتَ الْمُحْسِنُ وَنَحْنُ

و ای نور دیده کسی که پناه به تو آرد و از دیگران ببرد تویی نیکوکار و ماییم

الْمُسِيءُونَ فَتَجَاوَزْ يَا رَبُّ عَنْ قَبِيحِ مَا عِنْدَنَا بِجَمِيلِ مَا عِنْدَكَ وَأَيَّ

گنهکار پس در گذر ای پروردگار از زشتیهای ما به نیکیهای خود و کدام

جَهْلٍ يَا رَبُّ لَا يَسَعُهُ جُودُكَ أَوْ أَيُّ زَمَانٍ أَطْوَلَ مِنْ أَنْتِكَ وَمَا قَدَرُ

نادانی است ای پروردگار که جود تو فرایش نگیرد و چه روزگاری درازتر از زمان بردباری تو است و چه ارزشی دارد

أَعْمَالِنَا فِي جَنْبِ نِعْمِكَ وَكَيْفَ نَسْتَكْثِرُ أَعْمَالًا تُقَابِلُ بِهَا كَرَمَكَ بَلْ

اعمال ما در جنب نعمتهایت و چگونه زیاد بشمریم اعمال (بدمان) را که بتوانیم آنها را برابر با کرم تو کنیم بلکه

كَيْفَ يَضِيقُ عَلَى الْمُذْنِبِينَ مَا وَسِعَهُمْ مِنْ رَحْمَتِكَ يَا وَاسِعَ

چگونه ممکن است میدان بر گنهکاران تنگ شود با آن رحمت و سیعت

الْمَغْفِرَةِ يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ فَوْعِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي لَوْ نَهَرْتَنِي

که ایشان را فرا گرفته ای وسیع آمرزش ای دو دستت به رحمت باز سوگند به عزتت ای آقای من اگر چه برانیم

مَا بَرِحْتُ مِنْ بَابِكَ وَلَا كَفَفْتُ عَنْ تَمَلُّقِكَ لِمَا أَنْتَهَى إِلَيَّ مِنْ

من از در خانه ات برنخیزم و از تملق و چاپلوسیت دست بردارم چون

الْمَعْرِفَةِ بِجُودِكَ وَكَوْنِكَ وَأَنْتَ الْفَاعِلُ لِمَا تَشَاءُ تُعَذِّبُ مَنْ تَشَاءُ

اطلاع از جود و کرمت پیدا کرده ام و تویی کننده هر چه بخواهی عذاب کنی هر که را خواهی

بِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ وَتَرْحَمُ مَنْ تَشَاءُ بِمَا تَشَاءُ كَيْفَ تَشَاءُ لَا

بهر چه خواهی بهر طور که خواهی و رحم کنی هر که را خواهی بهر چه خواهی هر طور که خواهی

تُسْئَلُ عَنْ فِعْلِكَ وَلَا تُتَنَازَعُ فِي مُلْكِكَ وَلَا تُشَارَكُ فِي أَمْرِكَ وَلَا

بازپرسی از کار تو نشود و نزاعی در فرمانروایت رخ ندهد و شریکی در کارت نباشد

تُضَادُّ فِي حُكْمِكَ وَلَا يَعْتَرِضُ عَلَيْكَ أَحَدٌ فِي تَدْبِيرِكَ لَكَ الْخَلْقُ

و ضدیتی در حکمت نباشد و کسی نیست که در تدبیر تو بر تو اعتراض کند آفرینش

وَالأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ يَا رَبُّ هَذَا مَقَامٌ مِنْ لَدَيْكَ

و دستور از تو است برتر است خدا پروردگار جهانیان پروردگارا این جایگاه کسی است کعبه تو

وَاسْتَجَارَ بِكَرَمِكَ وَأَلْفَ إِحْسَانِكَ وَتَعَمَّكَ وَأَنْتَ الْجَوَادُ الَّذِي

روی آورده و به کرمت پناه جسته و به احسان و نعمت خو گرفته و تویی بخشاینده ای که

لَا يَضِيقُ عُقُوكَ وَلَا يَنْقُصُ فَضْلُكَ وَلَا تَقِلُّ رَحْمَتُكَ وَقَدْ تَوَقَّفْنَا

تنگک ناید عفوت و کاهش نیابد فضل و بخششت و کم نگردد مهر و رحمت و ما

مِنْكَ بِالصَّفْحِ الْقَدِيمِ وَالْفَضْلِ الْعَظِيمِ وَالرَّحْمَةِ الْوَاسِعَةِ أَفْتَرَاكَ يَا

بدان چشم پوشی دیرینه و فضل عظیمت و رحمت پهناورت اعتماد کرده ایم آیا چنان می بینی

رَبُّ تُخْلِفُ ظُنُونَنَا أَوْ تُخَيِّبُ آمَالَنَا كَلَّا يَا كَرِيمٌ فَلَيْسَ هَذَا ظُنُّنَا بِكَ

پروردگارا که برخلاف گمانهای ما رفتار کنی یا آرزوهایمان نوید کنی؟ هرگز! ای کریم چون ما چنین گمانی به تو نداریم

وَلَا هَذَا فِيكَ طَمَعُنَا يَا رَبُّ إِنَّ لَنَا فِيكَ أَمَلًا طَوِيلًا كَثِيرًا إِنَّ لَنَا فِيكَ

و طمع ما درباره تو اینگونه نیست پروردگارا براستی ما درباره تو آرزوی دراز و بسیاری داریم براستی ما نسبت به تو

رَجَاءً عَظِيمًا عَصَيْنَاكَ وَنَحْنُ نَرْجُو أَنْ تَسْتُرَ عَلَيْنَا وَدَعَوْنَاكَ وَنَحْنُ

امید بزرگ و زیادی داریم، تو را نافرمانی کردیم ولی امیدواریم که تو بپوشانی بر ما و خواندیم تو را و امیدواریم

نَرْجُو أَنْ تَسْتَجِيبَ لَنَا فَحَقَّقْ رَجَاءَنَا مَوْلَانَا فَقَدْ عَلِمْنَا مَا نَسْتَوْجِبُ

که تو اجابت کنی ما را پس امید ما را تحقق بخش ای مولای ما که برستی ما می دانیم که به اعمالمان مستوجب چه (پاداشی)

بَاعْمَالِنَا وَلَكِنْ عَلِمَكَ فِينَا وَعَلِمْنَا بِأَنَّكَ لَا تَصْرِفُنَا عَنْكَ وَإِنْ كُنَّا

هستیم ولی علم تو درباره ما و علم ما درباره تو این است که ما را از درگاهت نرانی و اگر چه ما

غَيْرَ مُسْتَوْجِبِينَ لِرَحْمَتِكَ فَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ تَجُودَ عَلَيْنَا وَعَلَى الْمُتَدَبِّرِينَ

مستوجب رحمت تو نیستیم ولی تو شایسته آنی که بر ما بخشش کنی و بر گناهکاران

بِفَضْلِ سَعَتِكَ فَأَمْنٌ عَلَيْنَا بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَجُدْ عَلَيْنَا فَإِنَّا مُحْتَاجُونَ

به فضل وسعت توجه فرمایی پس بر ما منت گذار بدانچه تو شایسته آنی و بر ما جود کن که ما نیازمند

[إِلَى نَيْلِكَ يَا ...] إِلَى نَيْلِكَ يَا عَفَّارُ بِنُورِكَ اهْتَدَيْنَا وَبِفَضْلِكَ اسْتَعَيْنَا وَبِنِعْمَتِكَ

عطای تویم ای آمرزنده به نور تو راه یافتیم و به فضل تو بی نیازی جستیم و به نعمت تو

أَصْبَحْنَا وَأَمْسَيْنَا ذُنُوبَنَا بَيْنَ يَدَيْكَ نَسْتَغْفِرُكَ اللَّهُمَّ مِنْهَا وَتَتُوبُ

صبح و شام کردیم گناهان ما پیش روی تو است که ما از آنها آمرزش خواهیم و بسویت توبه کنیم

إِلَيْكَ تَتَجَبَّبُ إِلَيْنَا بِالنِّعَمِ وَنُعَارِضُكَ بِالذُّنُوبِ خَيْرُكَ إِلَيْنَا نَازِلٌ

تو با نعمتهایت بر ما دوستی کنی و ما به گناهان با تو معارضه و برابری کنیم خیر تو بر ما نازل گردد

وَشَرُّنَا إِلَيْكَ صَاعِدٌ وَكَمْ يَزَلُ وَلَا يَزَالُ مَلَكٌ كَرِيمٌ يَأْتِيكَ عَنَّا بِعَمَلٍ

و در برابر شر ما بسوی تو بالا آید و تو همیشه تا بوده و هست پادشاه بزرگوار و کریم بوده ای که از جانب ما کارهای

قَبِيحٍ فَلَا يَمْنَعُكَ ذَلِكَ مِنْ أَنْ تَحْوِطَنَا بِنِعْمِكَ وَتَتَفَضَّلَ عَلَيْنَا بِالْإِحْسَانِ

زشت بسوی تو آید ولی آنها جلوگیری نکنند از اینکه ما را به نعمتهای خود فراگیری و خود بر ما تفضل کنی

فَسُبْحَانَكَ مَا أَحْلَمَكَ وَأَعْظَمَكَ وَأَكْرَمَكَ مُبْدِئاً وَمُعِيداً تَقَدَّسَتْ

پس منزهی تو که چقدر بردباری و چه بزرگ و کریمی چه در آغاز (نعمت) و چه در ادامه آن نامهایت مقدس

مردان و زلن باایمان را چه زندگانشان و چه مردگانشان را و پیوند ده میان ما و ایشان را

بِالْخَيْرَاتِ اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِحَيِّنَا وَمَيِّتِنَا وَشَاهِدِنَا وَغَائِبِنَا ذَكِّرْنَا وَأُنْثَانَا

در نیکیها خدایا بیامرز زنده ما و مرده ما و حاضر ما و غائب ما، مرد ما و زن ما را؛

صَغِيرِنَا وَكَبِيرِنَا حُرًّا وَمَمْلُوكِنَا كَذَبِ الْعَادِلُونَ بِاللَّهِ وَضَلُّوا ضَلَالًا

کوچک ما و بزرگ ما را، آزاد ما و برده ما را، دروغ گفتند بر گشتگان از خدا و گمراه شدند گمراهی

بَعِيدًا وَخَسِرُوا خُسْرَانًا مُبِينًا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

دوری و زیان کردند زیان آشکاری خدایا درود فرست بر محمد و آل محمد

وَاخْتِمْ لِي بِخَيْرٍ وَاكْفِنِي مَا أَهْمَنِي مِنْ أَمْرِ دُنْيَايَ وَآخِرَتِي

و کارم را ختم به خیر کن و کفایت کن آنچه اندیشه ام را به خود مشغول کرده از کار دنیا و آخرتم

وَلَا تُسَلِّطْ عَلَيَّ مَنْ لَا يَرْحَمُنِي وَاجْعَلْ عَلَيَّ مِنْكَ وَاقِيَةً بَاقِيَةً وَلَا

و مسلط مکن بر من کسی را که به من رحم نکند و بنه بر من از نزد خود نگهداری همیشگی و

تَسْلُطِي صَالِحٍ مَا أَنْعَمْتَ بِهِ عَلَيَّ وَارْزُقْنِي مِنْ فَضْلِكَ رِزْقًا وَاسِعًا

از من نعمتهای شایسته خود را که به من داده ای سلب مفرما و از فضل خویش روزی فراخ

حَلَالًا طَيِّبًا اللَّهُمَّ احْرُسْنِي بِحِرَاسَتِكَ وَاحْفَظْنِي بِحِفْظِكَ وَاكْلَانِي

و حلال و پاکی برای من روزی گردان خدایا به نگهداری خود مرا نگهداری فرما و به حفظ خود حفظم کن و در حمایت خود

بِكِلَابَتِكَ وَارْزُقْنِي حَجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِنَا هَذَا وَفِي كُلِّ عَامٍ

نگاهداریم کن و روزی من کن حج خانه محترمت را در این سال و در هر سال

وَزِيَارَةَ قَبْرِ نَبِيِّكَ وَالْأَيْمَةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَلَا تُخَلِّنِي يَا رَبِّ مِنْ

و زیارت قبر پیغمبرت و قبور ائمه علیهم السلام را و محروم مکن پروردگارا از

تِلْكَ الْمَشَاهِدِ الشَّرِيفَةِ وَالْمَوَاقِفِ الْكَرِيمَةِ اللَّهُمَّ تُبَّ عَلَيَّ حَتَّى

زیارت این مشاهد شریفه و زیارتگاههای گرامی خدایا توبه ام ده تا

[لَا أَغْصِيكَ....] لَا أَغْصِيكَ وَالْهَمْنِي الْخَيْرَ وَالْعَمَلَ بِهِ وَخَشْيَتِكَ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مَا

نافرمانیت نکنم و به دلم انداز کار نیک را و عمل بدان و ترست را در شب و روز تا هنگامی که

أَبْقَيْتَنِي يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي كُلَّمَا قُلْتُ قَدْ تَهَيَّأْتُ وَنَعَبْتُ

در این دنیا زنده ام داری ای پروردگار جهانیان خدایا من هر زمان پیش خود گفتم که دیگر مهیا و مجهز شده ام

وَقُمْتُ لِلصَّلَاةِ بَيْنَ يَدَيْكَ وَتَاجِبْتُكَ أَلْقَيْتَ عَلَيَّ نِعَاسًا إِذَا أَنَا

و برخاستم برای خواندن نماز در برابرت و با تو به راز پرداختم تو بر من چُرت و پینکی را مسلط کردی در آن هنگامی که

صَلَّيْتُ وَسَلَبْتَنِي مُنَاجَاتِكَ إِذَا أَنَا نَاجَيْتُ مَالِي كُلَّمَا قُلْتُ قَدْ

داخل نماز شدم و حال مناجات را از من گرفتی در آن وقتی که به راز و نیاز پرداختم ، مرا چه شده است که هرگاه با خود گفتم

صَلَحَتْ سَرِيرَتِي وَقَلَّبَ مِنْ مَجَالِسِ التَّوَابِينَ مَجْلِسِي عَرَضْتُ

باطن و درونم نیکو شده و نزدیک شده از مجالس توبه کنندگان مجلس من ، گرفتاری

لِي بَلِيَّةٌ أَزَالَتْ قَدَمِي وَحَالَتْ بَيْنِي وَبَيْنَ خِدْمَتِكَ سَيِّدِي لَعَلَّكَ عَنْ

و پیش آمدی برایم رخ داده که پایم لغزش پیدا کرده و میان من و خدمتگذاریت حائل گشته ای آقای من شاید مرا از دَرِ

بَابِكَ طَرَدْتَنِي وَعَنْ خِدْمَتِكَ نَحَيْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي مُسْتَخْفًا

خانه ات رانده ای و از خدمتت دورم کرده ای یا شاید دیده ای سبک شمارم

بِحَقِّكَ فَأَقْصَيْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي مُعْرِضًا عَنْكَ فَقَلَيْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ

حَقِّتَ رَأْسِي دُورَمِ دَرِ Dَرِ

وَجَدْتَنِي فِي مَقَامِ الْكَاذِبِينَ فَرَفَضْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي غَيْرَ شَاكِرٍ

در جایگاه دروغگویانم دیده ای پس رهایم کرده ای یا شاید دیده ای سپاسگزار

لِنِعْمَانِكَ فَحَرَمْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ فَقَدْتَنِي مِنْ مَجَالِسِ الْعُلَمَاءِ فَخَذَلْتَنِي

نعمتهایت نیستم پس محرومم ساخته ای یا شاید مرا در مجلس علماء نیافته ای پس خوارم کرده ای

أَوْ لَعَلَّكَ رَأَيْتَنِي فِيهِ الْعَافِلِينَ فَمِنْ رَحْمَتِكَ آيَسْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ

یا شاید مرا در زمره غافلانم دیده ای پس از رحمت خویش بی بهره ام کرده ای یا شاید

رَأَيْتَنِي آلِفَ مَجَالِسِ الْبَطَالِينِ فَبَيْنِي وَبَيْنَهُمْ خَلَيْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ لَمْ

مرا مائونوس با مجالس بیهوده گذرانم دیده ای پس مرا به آنها واگذاشته ای یا شاید

تُحِبُّ أَنْ تَسْمَعَ دُعَائِي فَبَاعَدْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ بِجُرْمِي وَجَرِيرَتِي

دوست نداشتی دعایم را بشنوی پس از درگاہت دورم کرده ای یا شاید به جرم و گناهم کیفرم داده ای

كَافَيْتَنِي أَوْ لَعَلَّكَ بِقَلْبِهِ حَيَّيْتَنِي مِنْكَ جَازَيْتَنِي فَإِنْ عَفَوْتَ يَا رَبُّ

یا شاید به بی شرمیم مجازاتم کرده ای پس اگر از من بگذری پروردگارا

فَطَالَ مَا عَفَوْتَ عَنِ الْمُنْذِنِينَ قَبْلِي لِأَنَّ كَرَمَكَ أَيُّ رَبِّ يَجِلُّ عَنْ

بجاست چون بسیار اتفاق افتاده که از گنهکاران پیش از من گذشته ای زیرا کرم تو پروردگارا برتر از

مُكَافَاتِ الْمُقْصِرِينَ وَأَنَا عَائِدٌ بِفَضْلِكَ هَارِبٌ مِنْكَ إِلَيْكَ مُتَنَجِّزٌ مَا

کیفر کردن تقصیرکاران است و من پناهنده به فضل توام و از ترس تو بسوی خودت گریخته ام و درخواست

وَعَدْتِ مِنَ الصَّفْحِ عَمَّنْ أَحْسَنَ بِكَ ظَنَّا إِلَهِي أَنْتَ أَوْسَعُ فَضْلًا

انجام وعده ات را در چشم پوشی از کسی که خوش گمان به تو است دارم خدایا تو فضلت و سيعتر

وَأَعْظَمُ جِلْمًا مِنْ أَنْ تُقَابِسَنِي بِعَمَلِي أَوْ أَنْ تَسْتَرِلْنِي بِخَطِيئَتِي وَمَا

و بردباریت بزرگتر از آنست که مرا به کردارم بسنجی یا اینکه مرا به خطایم بلغزانی و چه

أَنَا يَا سَيِّدِي وَمَا خَطَرِي هَبْنِي بِفَضْلِكَ سَيِّدِي وَتَصَدَّقْ عَلَيَّ

هستم من ای آقای من و چه ارزشی دارم؟ مرا به فضل خویش ببخش ای آقای من و بر من

بِعَفْوِكَ وَجَلَّلْنِي بِسِتْرِكَ وَأَعْفُ عَن تَوْبِيخِي بِكُمْ وَجْهِكَ سَيِّدِي

با عفو خود نیکی کن و با پرده پوشیت بپوشانم و در گذر از سرزنش کردنم به بزرگواری ذات آقای من

أَنَا الصَّغِيرُ الَّذِي رَبَّيْتُهُ وَأَنَا الْجَاهِلُ الَّذِي عَلَّمْتُهُ وَأَنَا الضَّالُّ الَّذِي

من همان بنده خردسالی هستم که پروریدی و همان نادانی هستم که دانایش کردی و همان گمراهی هستم که

هَدَيْتُهُ وَأَنَا الْوَضِيعُ الَّذِي رَفَعْتُهُ وَأَنَا الْخَائِفُ الَّذِي آمَنْتُهُ وَالْجَائِعُ

راهنماییش کردی و همان پستی هستم که بلندش کردی و همان ترسانی هستم که امانش دادی و گرسنه ای هستم

الَّذِي أَشْبَعْتُهُ وَالْعَطْشَانُ الَّذِي أَرْوَيْتُهُ وَالْعَارِي الَّذِي كَسَوْتُهُ

که سیرش کردی و تشنه ای هستم که سیرایش کردی و برهنه ای هستم که پوشاندیش

وَالْفَقِيرُ الَّذِي أَعْيَيْتُهُ وَالضَّعِيفُ الَّذِي قَوَّيْتُهُ وَالذَّلِيلُ الَّذِي أَعَزَّزْتُهُ

و ناداری هستم که دارایش کردی و ناتوانی هستم که نیرومندش کردی و خواری هستم که عزیزش کردی

وَالسَّقِيمُ الَّذِي شَفَيْتُهُ وَالسَّائِلُ الَّذِي أَعْطَيْتُهُ وَالْمُنْدَبُ الَّذِي

و دردمندی هستم که درمانش کردی و خواهنده ای هستم که عطایش کردی و گنهکاری هستم که

سَتَرْتَهُ وَالْخَاطِيءُ الَّذِي أَقْبَلْتَهُ وَأَنَا الْقَلِيلُ الَّذِي كَثَّرْتَهُ وَالْمُسْتَضْعَفُ

گناهانش را پوشاندی و خطاکاری هستم که از او گذشتی و اندکی هستم که بسیارش کردی و خوارشمرده ای هستم

الَّذِي نَصَرْتَهُ وَأَنَا الطَّرِيدُ الَّذِي آوَيْتُهُ أَنَا يَا رَبُّ الَّذِي لَمْ أَسْتَحْيِكَ

که یاریش کردی و آواره ای هستم که جا و ماء و ایش دادی منم پروردگارا آن کسی که در خلوت از تو شرم نکردم

فِي الْخَلَاءِ وَلَمْ أُرَاقِبِكَ فِي الْمَلَأِ أَنَا صَاحِبُ الدَّوَاهِي الْعُظْمَى أَنَا

و در آشکارا هم رعایت تو را نکردم منم صاحب مصیبتها و ماجراهای بزرگ منم

الَّذِي عَلَى سَيْدِهِ اجْتَرَى أَنَا الَّذِي عَصَيْتُ جَبَّارَ السَّمَاءِ أَنَا الَّذِي

کسی که بر آقای خود دلیری کرده منم کسی که نافرمانی برپادارنده آسمانها را کرده ام منم کسی که

أَعْطَيْتُ عَلَى مَعَاصِي الْجَلِيلِ الرُّشَا أَنَا الَّذِي حِينَ بُشِّرْتُ بِهَا

برای لفرمانیهای بزرگی که کرده ام رشوه داده ام منم آن کسی که هرگاه نوید گناهی را به من می دادند

خَرَجْتُ إِلَيْهَا أَسْعَى أَنَا الَّذِي أَمَهَلْتَنِي فَمَا ارْعَوَيْتُ وَسَتَرْتُ عَلَى

بسویش شتابان می رفتم منم که مهلتم دادی ولی من به خود نیامدم و بر من پوشاندی

[فَمَا اسْتَحْيَيْتُ....] فَمَا اسْتَحْيَيْتُ وَعَمِلْتُ بِالْمَعَاصِي فَتَعَدَيْتُ وَأَسْقَطْتَنِي مِنْ عَيْنِكَ

ولی من شرم نکردم و نافرمانیها کردم و از حد گذراندم و از چشم خود مرا انداختی و من اعتنا نکردم

فَمَا بَالَيْتُ فَبِحِلْمِكَ أَمَهَلْتَنِي وَبِسِتْرِكَ سَتَرْتَنِي حَتَّى كَانَتْكَ أَغْفَلْتَنِي

پس باز هم به بردباریت مهلتم دادی و به پرده پوشیت مرا پوشاندی تا بدانجا که گویا از یاد من بیرون رفتی

وَمِنْ عُقُوبَاتِ الْمَعَاصِي جَنَّبْتَنِي حَتَّى كَانَتْكَ اسْتَحْيَيْتَنِي إِلَهِي لَمْ

و از کیفرهای گناهان مرا دور داشتی تا به حدی که گویا از من شرم کردی خدایا در

أَعْصِيكَ حِينَ عَصَيْتُكَ وَأَنَا بِرُبُوبِيَّتِكَ جَاوِدٌ وَلَا بِأَمْرِكَ مُسْتَخِفٌّ

هنگام گناه که من نافرمانیت کردم نه از باب این بود که پروردگاریت را منکر بودم و یا دستورت را سبک شمردم

[وَلَا لِعُقُوبَتِكَ....]

وَلَا لِعُقُوبَتِكَ مُتَعَرِّضٌ وَلَا لَوْعِيدِكَ مُتَهَاوِنٌ لَكِنْ خَطِيئَةٌ عَرَضَتْ

و یا خود را در معرض کیفرت درآوردم و یا تهدیدهای تو را بی ارزش فرض کردم بلکه گناهی بود که پیش آمد

وَسَوَّلَتْ لِي نَفْسِي وَعَلَبْنِي هَوَايَ وَأَعَانَنِي عَلَيْهَا شِقْوَتِي وَعُرْنِي

و نفس سرکش نیز آنرا آراست و هوای نفس نیز چیره شد و بدبختی هم کمک کرد و پرده آویخته

سِتْرُكَ الْمُرْخَى عَلَى فَقْدِ عَصِيَّتِكَ وَخَالَفْتُكَ بِجَهْدِي فَالآنَ مِنْ

(پرده پوشی تو) هم مرا مغرور کرد و در نتیجه تا آنجا که می توانستم در نافرمانی و مخالفت تو کوشیدم ولی اکنون کیست که

عَذَابِكَ مَنْ يَسْتَقِيدُنِي وَمِنْ أَيْدِي الْخُصَمَاءِ عَدَاً مَنْ يُخَلِّصُنِي

از عذاب تو مرا نجات دهد و از دست دشمنان در فردای قیامت چه کسی خلاصم کند

وَيَحْبِلُ مَنْ اتَّصِلُ إِنْ أَنْتَ قَطَعْتَ حَبْلَكَ عَنِّي فَوَاسُوا آتَا عَلِي مَا

و به ریسمان چه کسی چنگک زنم اگر تو رشته خود را از من قطع کنی پس چه رسوایی است برای من

أَحْصَى كِتَابُكَ مِنْ عَمَلِي الَّذِي لَوْلَا مَا أَرْجُو مِنْ كَرَمِكَ وَسَعَةِ

بر آنچه نامه تو از عمل من شماره و احصاء کرده که اگر امید من به کرمت و وسعت

رَحْمَتِكَ وَنَهَيْكَ إِيَّايَ عَنِ الْقُنُوطِ لَقَنْطُتُ عِنْدَمَا أَتَدَكَّرُهَا يَا خَيْرَ

رحمت نبود و از ناامید شدن بازم نمی داشتی به محض آنکه به یاد آنها می افتادم یکسره ناامید می شدم ای بهترین

مَنْ دَعَاهُ دَاعٍ وَأَفْضَلَ مَنْ رَجَاهُ رَاجٍ اللَّهُمَّ بِذِمَّةِ الْإِسْلَامِ أَتَوْسَلُ

کسی که خواندش خواننده ای و برترین کسی که امیدش دارد امیدواری خدایا به پیمان اسلام به درگاہت توسل جویم

إِلَيْكَ وَبِحُرْمَةِ الْقُرْآنِ اعْتَمِدُ إِلَيْكَ وَبِحَبِيئِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الْقُرَشِيِّ

و به حرمت قرآن بر تو اعتماد کنم و بدوستی و محبتی که به پیامبر امی قرشی

الْهَاشِمِيِّ الْعَرَبِيِّ التَّهَامِيِّ الْمَكِّيِّ الْمَدَنِيِّ أَرْجُو الزُّلْفَةَ لَدَيْكَ فَلَا

هاشمی عربی تهامی مکی مدنی دارم امید تقرب به تو را دارم پس تو انس ایمانی مرا مبدل به

تَوْحِشِ اسْتِنَاسِ اِيْمَانِي وَلَا تَجْعَلْ ثَوَابِي ثَوَابَ مَنْ عَبَدَ سِوَاكَ

وحشت مکن و پاداشم را پاداش آن کس که جز تو را پرستیده قرار مده

فَإِنْ قَوْمًا آمَنُوا بِالَّذِينَ نَزَّلْنَا بِهِ دِيْمَانَهُمْ فَادْرِكُوا مَا أَمْلُوا وَإِنَّا

زیرا مردمی بودند که به زبان ایمان آوردند تا بدان وسیله خون خود را حفظ کنند و بدین مقصود هم رسیدند ولی ما

آمَنَّا بِكَ بِالَّذِينَ نَزَّلْنَا وَتَعَفَوْا عَنَّا فَادْرِكُوا مَا أَمْلْنَا وَتَبَّتْ رِجَالُكَ

به دل و زبان به تو ایمان آوردیم تا از ما بگذری پس ما را هم به مقصودمان برسان و امیدت را

فِي صُدُورِنَا وَلَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ

در دل‌های ما ثابت و محکم فرما و منحرف مساز دل‌های ما را پس از آنکه هدایت‌مان کردی و ببخش بما از نزد خود

رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ فَوَعَزْتَنِي كَوِ انْتَهَرْتَنِي مَا بَرِحْتُ مِنْ بَابِكَ

رحمتی که براستی تویی بسیار بخشنده به عزت سوگند اگر برانیم من هرگز از در خانه ات برنخیزم

وَلَا كَفَفْتُ عَنْ تَمَلُّقِكَ لِمَا أَلْهِمَ قَلْبِي مِنَ الْمَعْرِفَةِ بِكَرَمِكَ وَسَعَةِ

و دست از تملق و چاپلوسیت بردارم چون شناسایی کرمت و رحمت وسعت به دلم الهام شده ،

رَحْمَتِكَ إِلَيَّ مَنْ يَذْهَبُ الْعَبْدُ إِلَّا إِلَىٰ مَوْلَاهُ وَإِلَىٰ مَنْ يُلْتَجَىٰ

بنده به نزد چه کسی رود جز به درگاه مولایش و

الْمَخْلُوقُ إِلَّا إِلَىٰ خَالِقِهِ إِلَهِي لَوْ قَرَّنتَنِي بِالْأَصْفَادِ وَمَنْعَتَنِي سَبِيحَكَ

مخلوق به که پناهنده شود جز به خالقش خدایا اگر مرا به زنجیر و بند گرفتارم کنی

مِنْ بَيْنِ الْأَشْهَادِ وَذَلَّلْتَ عَلَيَّ فَصَائِحِي عُيُونِ الْعِبَادِ وَأَمَرْتَنِي

و بازداری از من عطایت را در میان انظار مردم و رسوایی‌هایم را به چشم بندگان آری و دستور بردنم را

إِلَىٰ النَّارِ وَحَلَّتْ بَيْرِي وَبَيْنَ الْأَبْرَارِ مَا قَطَعْتُ رِجَائِي مِنْكَ وَمَا

بسوی دوزخ صادر کنی و میان من و نیکان حائل گردی من هرگز امیدم را از تو قطع نخواهم کرد و

صَرَفْتُ تَأْمِيلِي لِلْعَفْوِ عَنْكَ وَلَا خَرَجَ حُبُّكَ مِنْ قَلْبِي أَنَا لَا أُنْسِي

آرزومندیم را از عفو تو بازنگردانم و بیرون نرود محبتت از دلم و من

يَا دِيكَ عِنْدِي وَسِتْرَكَ عَلَيَّ فِي دَارِ الدُّنْيَا سَيِّدِي أَخْرَجْ حُبَّ الدُّنْيَا

نعمتهایی که در دنیا به من دادی و پرده پوشیهایت را فراموش نمی کنم ای آقای من محبت دنیا را

مِنْ قَلْبِي وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ الْمُصْطَفَى وَآلِهِ خَيْرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ

از دلم بیرون کن و جمع کن میان من و میان (پیامبرت حضرت) مصطفی و آلش برگزیدگان خلقت

وَخَاتِمِ النَّبِيِّينَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَنْقُلْنِي إِلَى دَرَجَةِ التَّوْبَةِ

و خاتم پیامبران محمد صلی الله علیه و آله و مرا به درجه توبه و بازگشت

إِلَيْكَ وَأَعِنِّي بِالْبُكَاءِ عَلَى نَفْسِي فَقَدْ أَفْتَيْتُ بِالتَّسْوِيفِ وَالْأَمَالِ

بسویت برسان و یاریم ده به گریه کردن بر خویشتن زیرا که من عمرم را به امروز و فردا کردن و آرزوها

عُمُرِي وَقَدْ نَزَلَتْ مَنزِلَةَ الْأَيْسَرِينَ مِنْ خَيْرِي فَمَنْ يَكُونُ أَسْوَأَ حَالًا

گذراندم و درآمده ام در جایگاه ناامیدان از خیر خودم پس کیست که بدحال تر از من باشد

مِنِّي إِنْ أَنَا نُقِلْتُ عَلَى مِثْلِ حَالِي إِلَى قَبْرِي لَمْ أُمَهِّدْهُ لِرَفْعَتِي وَلَمْ

اگر من بر این حال بسوی قبرم منتقل گردم زیرا که آماده اش نکرده ام برای خوابیدنم

أَفْرُشَهُ بِالْعَمَلِ الصَّالِحِ لَصَجَعْتِي وَمَالِي لَا أَبْكِي وَلَا أَدْرِي إِلَى مَا

و فرش نکرده ام آنرا به عمل صالح برای آرامیدنم و چرا گریه نکنم در صورتی که نمی دانم به چه سرنوشتی

يَكُونُ مَصِيرِي وَأَرَى نَفْسِي تُخَادِعُنِي وَأَيَّامِي تُخَاتِلُنِي وَقَدْ

دچار گردم من نفس خود را چنان بینم که با من نیرنگ زند و روزگارم را که مرا بفریبد

خَفَقَتْ عِنْدَ رَأْسِي أَجْنِحَةُ الْمَوْتِ فَمَالِي لَا أَبْكِي أَبْكِي لِخُرُوجِ

در حالی که مرگ بالهای خود را بر سرم گسترده پس چرا گریه نکنم؟ گریه کنم برای جان دادنم

نَفْسِي أَبْكِي لِظُلْمِهِ قَبْرِي أَبْكِي لِضَيْقِ لِحْدِي أَبْكِي لِسُؤْلِ مَنْكِرٍ

گریه کنم برای تاریکی قبرم گریه کنم برای تنگی لحدم گریه کنم برای سؤال نکیر

وَنَكِيرٍ إِنِّي أَبْكِي لِخُرُوجِي مِنْ قَبْرِي غُرِيَانًا ذَلِيلًا حَامِلًا ثِقَلِي

و منکوز از من گریه کنم برای بیرون آمدنم از قبر برهنه و خوار که بار سنگینم را

[عَلَى ظَهْرِي ...] عَلَى ظَهْرِي أَنْظُرُ مَرَّةً عَنِ يَمِينِي وَأُخْرَى عَنِ شِمَالِي إِذِ الْخَلَائِقُ

به پشتم بار کرده یکبار از طرف راستم بنگرم و بار دیگر از طرف چپ و هر یک از خلایق را

فِي شَأْنٍ غَيْرِ شَأْنِي لِكُلِّ امْرِيٍّ مِنْهُمْ يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُغْنِيهِ وَجُوهٌ

در کاری غیر از کار خود بینم برای هر یک از آنها در آن روز کاری است که به خود مشغولش دارد چهره هایی

يَوْمَئِذٍ مُسْفِرَةٌ صَاحِكَةٌ مُسْتَبْشِرَةٌ وَوُجُوهٌ يَوْمَئِذٍ عَلَيْهَا غَبٌ

در آن روز گشاده و خندان و شادمانند و چهره هایی در آن روز غبارآلود است و سیاهی و خواری آنها را

تَرَاهُهَا قَتْرَةٌ وَذَلَّةٌ سَيِّدِي عَلَيْكَ مُعْوَلِي وَمُعْتَمِدِي وَرَجَائِي

فراگرفته ای آقای من بر تو است تکیه و اعتماد و امید

وَتَوَكَّلِي وَبِرَحْمَتِكَ تَعَلَّقِي تُصِيبُ بِرَحْمَتِكَ مَنْ تَشَاءُ وَتَهْدِي

و تو کلم و به رحمت تو آویخته ام ، به رحمت خود رسانی هر که را خواهی و به کرامت راهنمایی کنی

بِكِرَامَتِكَ مَنْ تَحِبُّ فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَى مَا نَقَّيْتِ مِنَ الشُّرْكِ قَلْبِي

هر که را دوست داری پس ستایش تو را است بر اینکه دلم را از آلودگی شرک پاک کردی

وَكَأَنَّ الْحَمْدُ عَلَى بَسْطِ لِسَانِي أَفْلِسَانِي هَذَا الْكَلَّ الشُّكْرُكَ أَمَّ

و برای تو است ستایش برای باز کردنت زبانم را، آیا به این زبان گندم سپاس تو را گویم یا

بِغَايِهِ جَهْدِي فِي عَمَلِي أَرْضِيكَ وَمَا قَدَرُ لِسَانِي يَا رَبِّ فِي جَنْبِ

با نهایت کوشش در کردارم تو را خوشنود سازم؟ و چه ارزشی دارد زبانم پروردگارا در برابر

شُكْرِكَ وَمَا قَدَّرَ عَمَلِي فِي جُنْبِ نِعْمِكَ وَاحْسَانِكَ إِلَهِي أَنْجُودَكَ

سپاس تو و چه ارزشی دارد کردارم در کنار نعمت‌های و احسانی که به من کردی خدایا برآستی بخشش تو

بَسَطَ أَمَلِي وَشُكْرِكَ قَبْلَ عَمَلِي سَيِّدِي إِلَيْكَ رَغْبَتِي وَإِلَيْكَ رَهْبَتِي

آرزویم را گسترانید و شکر تو کردارم را پذیرفت آقای من اشتیاق من بسوی تو است و هراسم از تو است

وَإِلَيْكَ تَأْمِلِي وَقَدْ سَأَفَنِي إِلَيْكَ أَمَلِي وَعَلَيْكَ يَا وَاحِدِي عَكَفْتُ

و آرزو و امیدم بسوی تو است و آرزویم مرا بسوی تو کشانده و همتم ای خدای یگانه من بدرگاه تو نشیمن کرده

هِمَّتِي وَفِيمَا عِنْدَكَ أَنْبَسَطْتُ رَغْبَتِي وَلَكَ خَالِصٌ رَجَائِي وَخَوْفِي

و در آنچه پیش تو است (جامه) شوقم (دامن) گسترده و امید خالص و ترسم

وَبِكَ أَسْتَمَحِبَّتِي وَإِلَيْكَ أَلْقَيْتُ بِيَدِي وَبِحَبْلِ طَاعَتِكَ مَدَدْتُ

تنها از تو است و به تو محبتم انس گرفته و دست به جانب تو انداخته ام و به ریسمان اطاعت تو بند کردم

رَهْبَتِي [يَا] مَوْلَايَ بِذِكْرِكَ عَاشَ قَلْبِي وَبِمُنَاجَاتِكَ بَرَدْتُ أَلَمَ

ترسم را ای مولای من به یاد تو دلم زنده است و به راز و نیاز تو سوزش

الْخَوْفِ عَنِّي يَا مَوْلَايَ وَيَا مُؤَمِّلِي وَيَا مُنْتَهَى سُؤْلِي فَرَّقَ بَيْنِي

ترسم را تسکین بخشم پس ای مولای من و ای آرزویم و ای آخرین سرحد خواسته ام میان

وَبَيْنَ ذَنْبِي الْمَانِعِ لِي مِنْ لُزُومِ طَاعَتِكَ فَإِنَّمَا أَسْتُلُوكَ لِتَقْدِيمِ الرَّجَاءِ

من و گناهم را که مانع از ملازمت اطاعت تو است جدایی بینداز و این خواهشی که من از تو می کنم به خاطر همان امید دیرینه ایست

فِيكَ وَعَظِيمِ الطَّمَعِ مِنْكَ أَلْدَى أَوْجِبْتُهُ عَلَي نَفْسِكَ مِنَ الرَّأْفَةِ

که به تو دارم و برای آن طمع بزرگی است که درباره ات دارم که تو رافت و مهربانی را برای بندگانت بر خود فرض کرده ای

وَالرَّحْمَهٗ فَلَا مَرُوكَ وَحَدَاكَ لَا شَرِيكَ لَكَ وَالْحَلْقُ كُلُّهُمْ عِبَاكَ

پس امر و فرمان از آن تو است یگانه ای که شریک نداری و خلایق همگی جیره خوار تو

وَفِي قَبْضَتِكَ وَكُلُّشَىءٍ خَاضِعٌ لَكَ تَبَارَكْتَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ إِلَهِي

و در قبضه اقتدار تو و خاضع درگاه تو ائند برتری ای پروردگار جهانیان خدایا

ارْحَمْنِي إِذَا انْقَطَعَتْ حُجَّتِي وَكَلِّ عَن جَوَابِكَ لِسَانِي وَطَاشَ عِنْدَ

به من رحم کن در آن هنگامی که حجت و دلیلم قطع شود و زبانم از پاسخ تو لال گردد و هوش در هنگام

سُؤَالِكَ إِنِّي لَبِي فَيَا عَظِيمَ رَجَائِي لَا تُخَيِّبْنِي إِذَا اشْتَدَّتْ فَاقَتِي

بازپرسیت از سرم ببرد پس ای بزرگ امیدم مرا نومید مکن در آن هنگام که سخت نیازمندم و به خاطر

وَلَا تُرِدَّنِي لِجَهْلِي وَلَا تَمْنَعْنِي لِقَلْبِهِ صَبْرِي أَعْطِنِي لِفَقْرِي

نادانیم مرا از درگاهت مران و برای کم طاقتیم مهت را از من بازمدار به خاطر نیازی که دارم به من بده و برای ناتوانیم

وَارْحَمْنِي لِضَعْفِي سَيِّدِي عَلَيْكَ مُعْتَمِدِي وَمُعَوَّلِي وَرَجَائِي

به من رحم کن ای آقای من بر تو است اعتماد و تکیه و امید

وَتَوَكَّلِي وَبِرَحْمَتِكَ تَعَلَّقِي وَبِفِنَائِكَ أَحْطُ رَحْلِي وَبِجُودِكَ أَقْصِدُ

و توکل من و مهر تو است دستاویزم و به آستان تو بار (حاجت) اندازم و به جود تو خواهشم را

طَلَبْتِي وَبِكَرَمِكَ أَيُّ رَبِّ اسْتَفْتِحُ دُعَائِي وَكَدَيْكَ أَرْجُو فَاقَتِي

جویم و به کرم تو ای پروردگار من دعایم را آغاز کنم و از پیش تو امید رفع نیاز و احتیاج خود را دارم

وَبِعِنَاكَ أَجْبُرُ عَيْلَتِي وَتَحْتَ ظِلِّ عَفْوِكَ قِيَامِي وَإِلَى جُودِكَ وَكَرَمِكَ

به توانگری تو جبران نداریم کنم و زیر سایه عفو تو بپای ایستم و به جود و کرم تو

أَرْفَعُ بَصْرِي وَإِلَى مَعْرُوفِكَ أُدِيمُ نَظْرِي فَلَا تُخْرِفْنِي بِالنَّارِ وَأَنْتَ

دیده بگشایم و به نیکی تو چشم دوزم پس مرا به آتش مسوزان با اینکه مرکز آرزوی منی و در دوزخم

مَوْضِعُ أَمَلِي وَلَا تُسَكِّنِي الْهَٰوِيَةَ فَإِنَّكَ قَرُّهُ عَيْنِي يَا سَيِّدِي لَا

سکونت مده که تو نور چشم منی ای آقای من

تُكَذِّبُ ظَنِّي بِإِحْسَانِكَ وَمَعْرُوفِكَ فَإِنَّكَ ثِقْتِي وَلَا تَحْرِمْنِي ثَوَابَكَ

گمان مرا به احسان و نیکیت دروغ و بی اصل مکن زیرا تو مورد اطمینان محکم منی و از پاداش نیکیت محرومم مساز که

فَأِنَّكَ الْعَارِفُ بِفَقْرِي إِلَهِي إِنْ كَانَ قَدْ دَنَا أَجَلِي وَلَمْ يُقَرِّبْنِي مِنْكَ

تو به نداری من آشنایی خدایا اگر مرگم نزدیک شده ولی کردارم مرا به تو نزدیک نکرده

عَمَلِي فَقَدْ جَعَلْتُ الْأَعْتِرَافَ إِلَيْكَ بِذَنْبِي وَسَأَلْتُ عِلْمِي إِلَهِي إِنْ

من اعتراف به گناهم را وسیله عذر خویش به در گاهت قرار دهم خدایا اگر درگذری کیست که سزاوارتر از تو

عَفَوْتُ فَمَنْ أَوْلَى مِنْكَ بِالْعَفْوِ وَإِنْ عَذَّبْتَ فَمَنْ أَعْدَلُ مِنْكَ فِي

به گذشت باشد و اگر عذاب کنی پس کیست که در حکم عادل تر از تو باشد

الْحُكْمِ أَرْحَمُ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا غُرْبَتِي وَعِنْدَ الْمَوْتِ كُرْبَتِي وَفِي الْقَبْرِ

رحم کن در این دنیا به غربتم و هنگام مرگ به غمزدگیم و در قبر به

وَحَدَّتِي وَفِي اللَّحْدِ وَحْشَتِي وَإِذَا نُشِرْتُ لِلْحِسَابِ بَيْنَ يَدَيْكَ ذُلٌّ

تنهاییم و در لحد به وحشت و بی کسیم و هنگامی که در برابرت به پای حسابم آورند به خواری

[مَوْفِي وَاعْفِرْ لِي... مَوْفِي وَاعْفِرْ لِي مَا خَفِيَ عَلَيَّ الْأَدْمِينِ مِنْ عَمَلِي وَأَدِّمْ لِي مَا بِهِ

جایگاهم رحم کن و بیامرزش برای من آنچه از کردارم که بر مردم پوشیده مانده و ادامه بده برایم آنچه را که بدان مرا

[سَتَرْتَنِي وَارْحَمْنِي.....] سَتَرْتَنِي وَارْحَمْنِي صَرِيحاً عَلَى الْفِرَاشِ تُقَلِّبُنِي أَيَّدِي أَحَبَّتِي

پوشاندی و در آن حال که در بستر مرگ افتاده و دستهای یاران مرا به این سو و آن سو کنند

وَتَفَضَّلَ عَلَيَّ مَمْدُودًا عَلَى الْمُعْتَسِلِ يُقَلِّبُنِي صَالِحُ جِيرَتِي وَتَحَنَّنْ

بر من رحم کن و در آن حال که روی سنگ غسلخانه دراز کشیده ام و همسایگان شایسته ام به اینطرف و آنطرف می گردانند

عَلَيَّ مَحْمُولًا قَدْ نَلَوَلِ الْأَقْرِبَاءُ أَطْرَافَ جِنَازَتِي وَجُدْ عَلَيَّ مَنْقُولًا

بر من تفضل کن و هنگامی که خویشان اطراف جنازه ام را بر دوش گرفته اند با من مهربانی فرما

قَدْ نَزَلْتُ بِكَ وَحِيدًا فِي حُفْرَتِي وَارْحَمْ فِي ذَلِكَ الْبَيْتِ الْجَدِيدِ

و هنگامی که تک و تنها در میان گودال قبر بر تو وارد شوم بر من بخشش کن و به غربت من در آن خانه تازه و نو

عُرْبَتِي حَتَّى لَا أَسْتَأْنِسَ بِغَيْرِكَ يَا سَيِّدِي إِنْ وَكَلْتَنِي إِلَى نَفْسِي

رحم کن بطوری که بجز تو انس نگیرم ای آقای من اگر مرا به خودم واگذاری

هَلَكْتُ سَيِّدِي فِيمَنْ أَسْتَعِيثُ إِنْ لَمْ تُقَلِّبْنِي عَشْرَتِي فَالِي مَنْ أَفْرَعُ إِنْ

هلاک کردم آقای من پس به که استغاثه کنم اگر تو لغزشم را نادیده نگیری و به که پناه برم

فَقَدْتُ عِنَايَتَكَ فِي ضَجْعَتِي وَالِي مَنْ أَلْتَجِي إِنْ لَمْ تُنْفَسْ كُرْبَتِي

اگر عنایت تو را در آرامگاهم از دست بدهم و به که ملتجی گردم اگر تو غم را برطرف نکنی ،

سَيِّدِي مَنْ لِي وَمَنْ يَرْحَمُنِي إِنْ لَمْ تَرْحَمْنِي وَفَضْلَ مَنْ أُوْمَلُ إِنْ

آقای من که را دارم و که بر من رحم کند اگر تو بر من رحم نکنی و فضل که را آرزو کنم

عَدِمْتُ فَضْلَكَ يَوْمَ فَاقَتِي وَالِي مِنَ الْفِرَارِ مِنَ الذُّنُوبِ إِذَا انْقَضَى

در روز نیازمندیم اگر فضل تو را گم کنم و بسوی چه کسی از گناهانم بگریزم در آن هنگام که عمرم

أَجَلِي سَيِّدِي لَا تُعَذِّبْنِي وَأَنَا أَرْجُوكَ إِلَهِي حَقَّقْ رَجَائِي وَأَمِنْ

بسر رسد ای آقای من مرا با اینکه به تو امیدوارم معذب مفرما خدایا امید مرا تحقق بخش

خَوْفِي فَإِنَّ كَثْرَةَ ذُنُوبِي لَا أَرْجُو فِيهَا إِلَّا عَفْوَكَ سَيِّدِي أَنَا أَسْئَلُكَ مَا

و ترسم را امان بخش زیرا در این گناهان بسیار امیدی جز به عفو تو ندارم ای آقای من از تو خواهم چیزی را

لَا أَسْتَحِقُّ وَأَنْتَ أَهْلُ التَّقْوَى وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ فَأَغْفِرْ لِي وَأَلْبَسْنِي مِنْ

که شایسته آن نیستم و تو شایسته پرهیزکاری هستی و اهل آمرزشی پس بیمارز مرا و از نظر مرحمت خود جامه ای بر

نَظَرِكِ ثَوْبًا يُعْطَى عَلَى التَّبَعَاتِ وَتَغْفِرُهَا لِي وَلَا أُطَالِبُ بِهَا إِنَّكَ ذُو

من ببوشان که گناهانم را ببوشاند و آنها را برایم بیمارز و مورد مؤ اخذه قرارم مده که تو دارای

مَنْ قَدِيمٍ وَصَفْحٍ عَظِيمٍ وَتَجَاوُزٍ كَرِيمٍ إِلَهِي أَنْتَ الَّذِي تُفِيضُ

منتی دیرینه و چشم پوشی بزرگ و گذشت بزرگواری هستی خدایا تویی که فیض خود را

سَيِّبِكَ عَلَيَّ مَنْ لَا يَسْتُلْكَ وَعَلَى الْجَاهِدِينَ بِرُبُوبِيَّتِكَ فَكَيْفَ

حتی بر آنکه درخواست نکند و بر منکران پروردگاریت فروریزی پس چگونه نسبت به کسی که

سَيِّدِي بَمَنْ سَأَلْتُكَ وَأَيُّقِنُ أَنَّ الْخَلْقَ لَكَ وَالْأَمْرَ إِلَيْكَ تَبَارَكْتَ

از تو درخواست کند و یقین داند که جهان خلقت از تو و کار بدست تو است؟ برتری

وَتَعَالَيْتَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ سَيِّدِي عَبْدُكَ يَا بَابَكَ أَقَامَتْهُ الْخِصَاصَةُ

و والایی ای پروردگار جهانیان، ای آقای من بنده ات به درگاہت آمده و تنگدستی او را پیش روی تو

بَيْنَ يَدَيْكَ يَفْرَعُ بَابَ إِحْسَانِكَ بِدُعَائِهِ فَلَا تُعْرِضْ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ

و اداشته و به وسیله دعای خود در خانه احسان تو را می گوید پس آن روی بزرگواریت را از من

عَنِّي وَأَقْبَلْ مِنِّي مَا أَقُولُ فَقَدْ دَعَوْتُ بِهَذَا الدُّعَاءِ وَأَنَا أَرْجُو أَنْ لَا

بر مگردان و آنچه گویم از من بپذیر زیرا من به این دعا تو را خواندم و امیدوارم که بازم مگردانی چون

تَرُدَّنِي مَعْرِفَةَ مِنِّي بِرَأْفَتِكَ وَرَحْمَتِكَ إِلَهِي أَنْتَ الَّذِي لَا يُخْفِيكَ

آشنایی کاملی به مهر و راءفت تو دارم خدایا تویی که درمانده و سؤ ال پیچت نکند

سَأَلْتُ وَلَا يَنْفُصُكَ نَائِلٌ أَنْتَ كَمَا تَقُولُ وَفَوْقَ مَا نَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّي

سائلی و بخشش و عطا از تو نگاهد تو چنانی که خود گویی و بالاتر از آنی که ما گوئیم خدایا من از تو

أَسْئَلُكَ صَبْرًا جَمِيلًا وَفَرَجًا قَرِيبًا وَقَوْلًا صَادِقًا وَأَجْرًا عَظِيمًا

خواهم صبری نیکو و گشایشی نزدیک و گفتاری راست و پاداشی بزرگ

أَسْئَلُكَ يَا رَبِّ مِنَ الْخَيْرِ كُلِّهِ مَا عَلِمْتُ مِنْهُ وَمَا لَمْ أَعْلَمْ أَسْئَلُكَ

از تو خواهم پروردگارا هرچه خیر و خوبی است چه آنچه می دانم و چه آنچه را نمی دانم خواهم از تو

اللَّهُمَّ مِنْ خَيْرٍ مَا سَأَلْتُكَ مِنْهُ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ

خدایا از بهترین چیزی که بندگان شایسته ات خواهند ای بهترین درخواست شدگان

وَأَجُودَ مَنْ أَعْطَى أَعْطَى سُوْلِي فِي نَفْسِي وَأَهْلِي وَوَالِدِي

و ای بخشنده ترین عطا بخش عطاکن به من خواسته ام را در مورد خود و خانواده و پدر

وَوَلَدِي وَأَهْلِي خُرَاتِي وَإِخْوَانِي فِيكَ وَأَرْغِدْ عَيْشِي وَأَظْهَرِ

و مادر و فرزندان و بستگان و برادران دینیم و زندگیم را خوش و فراخ گردان

مُرُوتِي وَأَصْلِحْ جَمِيعَ أَحْوَالِي وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ أَطَلَّتْ عُمُرُهُ

و مردانگیم را آشکار ساز و تمام حالات مرا اصلاح کن و بگردانم از کسانی که عمرش را طولانی

وَحَسَنَتْ عَمَلُهُ وَأَتَمَمْتَ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ وَرَضِيتَ عَنْهُ وَأَحْيَيْتَهُ حَيَوُهُ

و کردارش را نیکو و نعمتت را بر او تمام کرده و از او خوشنود گشته ای و زندگی

طَيِّبَةً فِي أَدْوَمِ السُّرُورِ وَأَسْبَغَ الْكِرَامَةَ وَأَتَمَّ الْعَيْشِ إِنَّكَ تَفْعَلُ مَا

پاکیزه ای به او بخشیده ای که در میان پابرجاترین خوشی و وسیعترین کرامت و کاملترین زندگانی روزگار بسر می برد

تَشَاءُ وَلَا تَفْعَلُ مَا يَشَاءُ غَيْرُكَ اللَّهُمَّ خُصِنِي مِنْكَ بِخَاصَّةِ ذِكْرِكَ

و براستی تو هر چه را بخواهی انجام دهی ولی جز تو کسی نتواند هر چه خدا خواهد انجام دهد خدایا مرا به ذکر مخصوص

وَلَا تَجْعَلْ شَيْئاً مِمَّا أَتَقَرَّبُ بِهِ فِي آنَاءِ اللَّيْلِ وَأَطْرَافِ النَّهَارِ رِيَاءً

خود مخصوصم دار و آنچه را من بوسیله آن در تمام ساعات و دقایق روز و شب وسیله تقرب در گاهت قرار دهم خودنمایی

وَلَا سُمْعَةً وَلَا أَشْرَأَ وَلَا بَطْرًا وَاجْعَلْنِي لَكَ مِنَ الْخَاشِعِينَ اَللَّهُمَّ

و شهرت طلبی و سرکشی و گردن فرازی قرار مده و مرا از فروتنان در گاهت قرارم بده خدایا

أَعْطِنِي السَّعَةَ فِي الرِّزْقِ وَالْأَمْنَ فِي الْوَطَنِ وَقُرَّةَ الْعَيْنِ فِي الْأَهْلِ

به من عطا فرما وسعت در روزی ، و امنیت در وطن ، و چشم روشنی در خاندان

وَالْمَالَ وَالْوَلَدَ وَالْمُقَامَ فِي نِعْمِكَ عِنْدِي وَالصِّحَّةَ فِي الْجِسْمِ

و مال و اولاد و پایدار ماندن نعمتهایی که در پیش من داری و تندرستی و نیرویی در بدن

[وَالْقُوَّةَ فِي الْبَدَنِ ...] وَالْقُوَّةَ فِي الْبَدَنِ وَالسَّلَامَةَ فِي الدِّينِ وَاسْتَعْمِلْنِي بِطَاعَتِكَ

و سلامتی در دین و همیشه تا زنده ام مرا به طاعت خود و اطاعت

و طاعه رسولک مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَبَدًا مَا اسْتَعْمَرْتَنِي

پیامبرت محمد صلی الله علیه و آله و ادار کن

وَاجْعَلْنِي مِنْ أَوْفَرِ عِبَادِكَ عِنْدَكَ نَصِيباً فِي كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ وَتَنْزِلُهُ

و بگردانم از پر نصیب ترین بندگان در هر خیری که نازل کرده و

فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَمَا أَنْتَ مُنْزِلُهُ فِي كُلِّ سَنَةٍ مِنْ

در ماه رمضان در شب قدر نازل گردانی و آنچه را در هر سال نازل گردانی از

رَحْمَةٍ تَنْشُرُهَا وَعَاقِيهِ تُلْبَسُهَا وَبِلَيْهِ تَدْفَعُهَا وَحَسَنَاتٍ تَتَقَبَّلُهَا

مهری که بگفتناری و تندرستی که ببوشانی و بلاهایی که باز گردانی و کارهای خیری که پذیری

وَسَيِّئَاتٍ تَتَجَاوَرُ عَنْهَا وَارِزُقْنِي حِجَّ بَيْتِكَ الْحَرَامِ فِي عَامِنَا هَذَا

و زشتیهایی را که از آنها درگذری و روزیم کن حج خانه کعبه را در این سال

وَفِي كُلِّ عَامٍ وَارِزُقْنِي رِزْقًا وَاسِعًا مِنْ فَضْلِكَ الْوَاسِعِ وَاصْرِفْ

و در هر سال و روزیم ده روزی فراخی از فضل وسیع خود و بدیها را

عَنِّي يَا سَيِّدِي الْأَسْوَأَ وَأَقْضِ عَنِّي الدَّيْنَ وَالظَّلَامَاتِ حَتَّى لَا

ای آقایم از من دور کن و بدهی ها و مظلمه هایی که به گردن دارم از من ادا فرما بطوری که

آتَأَذِي بِشَيْءٍ مِنْهُ وَخُذْ عَنِّي بِأَسْمَاعٍ وَأَبْصَارٍ أَغْدَائِي وَخُسَادِي

به خاطر چیزی از آنها ناراحت نباشم و گوش و چشم دشمنان و حسودان

وَالْبَاغِينَ عَلَيَّ وَأَنْصُرْنِي عَلَيْهِمْ وَأَقِرَّ عَيْنِي وَفَرِّحْ قَلْبِي وَاجْعَلْ لِي

و ستمکارانم را بر من ببند و بر ایشان یاریم ده و دیده ام را روشن کن و دلم را شاد گردان و برایم از

مِنْ هَمِّي وَكَرْبِي فَرَجًا وَمَخْرَجًا وَاجْعَلْ مَنْ أَرَادَنِي بِسُوءٍ مِنْ

اندوه و غمم فرج و گشایشی قرار ده و هر که را از تمامی خلقت که اراده سوئی نسبت به من دارد

جَمِيعِ خَلْقِكَ تَحْتَ قَدَمِيَّ وَأَكْفِنِي شَرَّ الشَّيْطَانِ وَشَرَّ السُّلْطَانِ

زیر پای من قرارش ده و کفایت کن مرا از شر شیطان و شر سلطان

وَسَيِّئَاتِ عَمَلِي وَطَهِّرْنِي مِنَ الذُّنُوبِ كُلِّهَا وَأَجِرْنِي مِنَ النَّارِ

و بدیهای کردارم و پاکم کن از گناهان همگنی، و از آتش دوزخ

بِعَفْوِكَ وَأَدْخِلْنِي الْجَنَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَرَوِّجْنِي مِنَ الْحُورِ الْعِينِ بِفَضْلِكَ

بوسیله عفو خود پناهم ده و به رحمت خویش داخل بهشتم گردان و از حوریه های بهشتی به فضل خود به همسریم درآور

وَأَلْحِقْنِي بِأَوْلِيَاءِكَ الصَّالِحِينَ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الْأَبْرَارِ الطَّيِّبِينَ

و ملحقم کن به دوستان شایسته ات محمد و آلش آن نیکان پاک

الطَّاهِرِينَ الْأَخْيَارِ صَلَّوْا تُكَ عَلَيِّهِمْ وَعَلَىٰ أَجْسَادِهِمْ وَأَرْوَاحِهِمْ

پاکیزه و برگزیده درودهای تو بر ایشان و بر جسد‌هایشان و بر ارواحشان

وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ إِلَهِي وَسَيِّدِي وَعِزَّتِكَ وَجَلَالِكَ لَيْنٌ طَالَبْتَنِي

و رحمت خدا و برکاتش ای خدای من و آقای من سوگند به عزت و جلالت اگر مرا در مورد

بِذُنُوبِي لِطَالِبَتِكَ بِعَفْوِكَ وَلَيْنٌ طَالَبْتَنِي بِلُؤْمِي لِطَالِبَتِكَ بِكَرَمِكَ

گناهان بازخواست کنی من نیز تو را به عفو و گذشتت مطالبه می کنم و اگر به پستی ام مرا مؤاخذه کنی من هم به کرم

وَلَيْنٌ أَذْخَلْتَنِي النَّارَ لِأَخْبِرَنَّ أَهْلَ النَّارِ بِحُبِّي لَكَ إِلَهِي وَسَيِّدِي إِنْ

تو را مطالبه می کنم و اگر به دوزخم ببری به دوزخیان گزارش می دهم که دوست دارم ای خدای من و آقای من

كُنْتَ لَا تَغْفِرُ إِلَّا لِأَوْلِيَائِكَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ فَالِي مَنْ يَفْزَعُ الْمُذْنِبُونَ

اگر نیامرزی مگر دوستانت و پیروانت را پس به که پناه برند گناهکاران

وَإِنْ كُنْتَ لَا تُكْرِمُ إِلَّا أَهْلَ الْوَفَاءِ بِكَ فَبِمَنْ يَسْتَغِيثُ الْمُسِيئُونَ

و اگر اکرام نکنی مگر نسبت به وفاداران پس به که استغاثه کنند بدکرداران

إِلَهِي إِنْ أَذْخَلْتَنِي النَّارَ فَفِي ذَلِكَ سُورُورٌ عَدُوِّكَ وَإِنْ أَذْخَلْتَنِي الْجَنَّةَ

خدایا اگر به دوزخم ببری این کار موجب خوشحالی دشمنت گردد و اگر به بهشتم ببری

فَفِي ذَلِكَ سُورُورٌ نَبِيِّكَ وَأَنَا وَاللَّهِ أَعْلَمُ أَنَّ سُورُورَتِيكَ أَحَبُّ إِلَيْكَ مِنْ

موجب خوشحالی پیامبرت بشود و من به خدا سوگند مسلماً می دانم که خوشحال شدن پیامبرت را بیشتر از

[سُرُورِ عَدُوِّكَ....] سُرُورِ عَدُوِّكَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَمْلَأَ قَلْبِي حُبًّا لَكَ وَخَشْيَةً

خوشحال شدن دشمنت دوست داری خدایا از تو می خواهم که دلم را پر کنی از محبت و ترس از

مِنْكَ وَتَصَدِّيقًا بِكِتَابِكَ وَإِيمَانًا بِكَ وَفَرَقًا مِنْكَ وَشَوْقًا إِلَيْكَ يَا

خودت و تصدیق به کتابت و ایمان به خودت و هراس و اندیشه از خود و اشتیاق بسوی خود

ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ حَبِّبٌ إِلَيَّ لِقَائِكَ وَأَحْبَبُ لِقَائِي وَاجْعَلْ لِي فِي

ای صاحب جلال و بزرگواری مرا دوستدار لقای خویش کن و نیز لقای مرا دوست بدار و در

لِقَائِكَ الرَّاحَةَ وَالْفَرَجَ وَالْكَوَامَةَ اللَّهُمَّ أَلْحِفْنِي بِصَالِحٍ مِنْ مَضَى

لقاء خود برای من آرامش و گشایش و کرامتی قرار ده خدایا مرا به شایستگان از مردم گذشته ملحق کن و از شایستگان باقیمانده

وَاجْعَلْنِي مِنْ صَالِحٍ مَنْ بَقِيَ وَخُذْ بِي سَبِيلَ الصَّالِحِينَ وَأَعِنِّي عَلَى

قرارم ده و بپناه شایستگان ببر و کمکم ده بر مخالفت با

نَفْسِي بِمَا تُعِينُ بِهِ الصَّالِحِينَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَأَخْتِمْ عَمَلِي بِأَحْسَنِهِ

هوای نفسم بدانچه کمک دادی شایستگان را بر مخالفتشان با هوای نفس و ختم کن کارم را به نیکوترین کارهایم

وَاجْعَلْ ثَوَابِي مِنْهُ الْحَبَّةَ بِرَحْمَتِكَ وَأَعِنِّي عَلَى صَالِحٍ مَا أَعْطَيْتَنِي

و پاداشم را از آن کار به رحمت خود بهشت قرار ده و کمکم ده در آنچه به من داده ای که در کار صالح بکار بندم

وَتَبَّتْ يَا رَبِّ وَلَا تَرُدَّنِي فِي سُوءٍ اسْتَنْقَدْتَنِي مِنْهُ يَا رَبَّ

و ثابت قدمم دار و بازم مگردان به بدیهایی که از آن نجاتم داده ای ای پروردگار

الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ إِيمَانًا لَا أَجَلَ لَهُ دُونَ لِقَائِكَ أَحْسِنِي مَا

جهانیان خدایا از تو خواهم ایمانی که انتهایش ملاقات تو باشد و تا زنده ام داری به همان ایمان

أَحْسَبْتَنِي عَلَيْهِ وَتَوَفَّنِي إِذَا تَوَفَّيْتَنِي عَلَيْهِ وَابْعَثْنِي إِذَا بَعَثْتَنِي عَلَيْهِ

زنده ام دار و چون بمیرانیم بر همان ایمان بمیرانم و چون برانگیزیم بر همان ایمان برانگیزم

وَأَبْرِءْ قَلْبِي مِنَ الرِّيَاءِ وَالشُّكِّ وَالسُّمْعَةِ فِي دِينِكَ حَتَّى يَكُونَ

و پاک کن دلم را از ریاء و شک و خودنمایی در دینت تا در نتیجه

عَمَلِي خَالِصًا لَكَ اللَّهُمَّ أَعْطِنِي بَصِيرَةً فِي دِينِكَ وَفَهْمًا فِي

عملم خالص برای تو باشد خدایا به من عنایت کن بصیرتی در دینت و فهمی (در شناختن)

حُكْمِكَ وَفَهْمًا فِي عِلْمِكَ وَكِفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِكَ وَوَرَعًا يَحْجِزُنِي

حکمت و درک خاصی در فهم علمت و دو سهم از رحمتت و پرهیزکاری آنچنانی که مرا

عَنْ مَعَاصِيكَ وَيُبَيِّضُ وَجْهِي بِنُورِكَ وَاجْعَلْ رَغْبَتِي فِيمَا عِنْدَكَ

از گناهات بازدارد و رویم را به نور خود سفید گردان و شوقم را بدانچه پیش تو است قرار ده

وَتَوَفَّنِي فِي سَبِيلِكَ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ

و در راه خود و بر کیش پیامبرت صلی الله علیه و آله بمیرانم خدایا

إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْفَسَلِ وَالْهَمِّ وَالْجُبْنِ وَالْبُحْلِ وَالْعَفْلَةِ

به تو پناه می برم از کسالت و سستی و اندوه و ترس و بخالت و بی خبری

وَالْقَسْوَةِ وَالْمَسْكَنَةِ وَالْفَقْرَ وَالْفَقَاهِ وَكُلَّ بَلِيَّةٍ وَالْفَوَاحِشِ مَا ظَهَرَ

و سنگدلی و بیچارگی و فقر و نداری و از هر بلا و هرزگی هر چه آشکار باشد

مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ نَفْسٍ لَا تَقْنَعُ وَبَطْنٍ لَا يَشْبَعُ وَقَلْبٍ لَا

از آنها و هر چه پنهان و پناه می برم به تو از نفسی که قانع نباشد و شکمی که سیر نشود و دلی که

يَخْشَعُ وَدُعَاءٍ لَا يُسْمَعُ وَعَمَلٍ لَا يَنْفَعُ وَأَعُوذُ بِكَ يَا رَبُّ عَلَى

نهراسد و دعایی که پذیرفته نشود و کاری که سود ندهد و پناه می برم ای پروردگرم در مورد

نَفْسِي وَدِينِي وَمَالِي وَعَلَى جَمِيعِ مَا رَزَقْتَنِي مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

خویشتن و دین و مال و همه آنچه به من روزی کرده ای از شیطان رانده در گاهت

إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا يُجِيرُنِي مِنْكَ أَحَدٌ وَلَا أَجِدُ

که براستی تو شنوای دانایی خدایا کسی نیست که مرا از تو درپناه خود گیرد و جز تو پناهگاهی

مِنْ دُونِكَ مُلْتَحِداً فَلَا تَجْعَلْ نَفْسِي فِي شَيْءٍ مِنْ عَذَابِكَ وَلَا

نیابم پس مرا در چیزی از عذاب خود قرارم مده و مرا به هلاکت و عذاب دردناک

تَرُدُّنِي بِهِلِكَ وَلَا تَرُدُّنِي بِعَذَابِ أَلِيمٍ اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي وَأَعْلِ

بازمگردان خدایا عملم را بپذیر و نامم را بلند کن و

ذِكْرِي وَارْفَعْ دَرَجَتِي وَحُطِّ وِزْرِي وَلَا تَذْكُرْنِي بِخَطِيئَتِي وَاجْعَلْ

درجه ام را بالا بر و گناهم را بریز و به خطایم مرا یاد مکن و

ثَوَابَ مَجْلِسِي وَثَوَابَ مَنْطِقِي وَثَوَابَ دُعَائِي رِضَاكَ وَالْجَنَّةَ

پاداش این مجلس مرا و پاداش گفتارم را و پاداش دعایم را خوشنودی خودت و بهشت قرار ده

وَأَعْطِنِي يَا رَبِّ جَمِيعَ مَا سَأَلْتُكَ وَزِدْنِي مِنْ فَضْلِكَ إِنِّي إِلَيْكَ

و بده به من ای پروردگار من تمام آنچه را از تو خواستم و از فضل خویش بر من بیفز که من براستی بسویت

رَاغِبٌ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَ فِي كِتَابِكَ أَنْ نَعْفُو عَمَّنْ

مشتاقم ای پروردگار جهانیان خدایا تو خود در کتابت قرآن برای ما نازل فرمودی که ما گذشت کنیم از کسی که

ظَلَمْنَا وَقَدْ ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا فَأَغْفُ عَنَّا فَإِنَّكَ أَوْلَىٰ بِذَلِكَ مِنَّا وَأَمَرْتَنَا

به ما ستم کرده و ما به خودمان ستم کردیم پس از ما درگذر که تو از ما سزاوارتر بدین کار هستی و به ما دستور دادی

أَنْ لَا تَرُدَّ سَائِلًا عَنْ أَبِيابْنَا وَقَدْ جِئْتِكَ سَائِلًا فَلَا تَرُدُّنِي إِلَّا بِقَضَاءٍ

که هیچ خواهنده ای را از در خانه مان بازنگردانیم و من بصورت خواهندگی به درگاهت آمده ام و بازم مگردان جز با روا شدن

حَاجَتِي وَأَمْرًا بِالْإِحْسَانِ إِلَىٰ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُنَا وَتَحْنُ أَرْقَاءُكَ

حاجتم و به ما دستور دادی که نسبت به بردگانمان احسان و نیکی کنیم و ما بردگان تویم

فَاعْتِقْ رِقَابَنَا مِنَ النَّارِ يَا مُفْرَعِي عِنْدَ كُرْبَتِي وَيَا عَوْثِي عِنْدَ

پس ما را از آتش دوزخ آزاد فرما ای پناهم در هنگام اندوه و غم ای فریادرسم در هنگام

شدتِ اِلَيْكَ فَرَعْتُ وَبِكَ اسْتَعْتُ وَوَلَدْتُ لَا اَلُوذُ بِسِوَاكَ وَلَا اَطْلُبُ

سختی به درگاه تو زاری کنم و به تو استغاثه کنم و به تو پناه آرم و به دیگری پناه نبرم و گشایش نخواهم

الْفَرَجِ اِلَّا مِنْكَ فَاغْنِنِي وَفَرِّجْ عَنِّي يَا مَنْ يَفُكُّ الْاَسِيرَ وَيَعْفُو عَنِ

جز از تو پس تو به فریادم برس و گشایشی در کارم بده ای که اسیر و گرفتار را آزاد کنی و از گناه

الْكَثِيرِ اِقْبَلْ مِنِّي الْاَسِيرَ وَاَعْفُ عَنِّي الْكَثِيرَ اِنَّكَ اَنْتَ الرَّحِيمُ

بسیار بگذری طاعت اندک را از من بپذیر و از گناه بسیارم بگذر که براستی تو مهربان

الْغَفُورُ اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْئَلُكَ اِيْمَانًا تُبَشِّرُ بِهِ قَلْبِي وَيَقِيْنًا صَادِقًا حَتّٰى اَعْلَمَ

آمرزنده ای خدایا از تو خواهم ایمانی که همیشه دلم با آن همراه گردد و یقینی راست و کامل که بدانم

اَنَّهُ لَنْ يُصِيْبَنِي اِلَّا مَا كَتَبْتَ لِيْ وَرَضْتَنِيْ مِنَ الْعَيْشِ بِمَا قَسَمْتَ لِيْ

مسلم چیزی به من نرسد جز آنکه بر من نوشته ای و خوشنودم کن در زندگی به همانکه نصیبم کرده ای

يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ

ای مهربانترین مهربانان

